

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران



بررسی و مقایسه نقوش جانوران اساطیری بر روی سنگ‌نگاره‌های جربت در خراسان شمالی

عبّاس دولت‌یاری (مدرس پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دره‌شهر، گروه معماری، دره‌شهر، ایران) Email: abass.dolatyari@gmail.com

عابد تقوی استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

روح‌الدین میرزایی مقدم مدرس پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دره‌شهر، گروه معماری، دره‌شهر، ایران

زهرا دولت‌یاری مدرس پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دره‌شهر، گروه معماری، دره‌شهر، ایران

چکیده:

سنگ‌نگاره‌ها یکی از پررمز و رازترین منابع تاریخ گذشتگان به شمار می‌روند؛ که در علم باستان‌شناسی بسیار حائز اهمیت می‌باشند، زیرا بررسی این آثار در کشف زمینه‌های فکر و فرهنگی اجداد انسان نقش بسزایی دارد. سنگ‌نگاره‌ها مجموعه بسیار خوبی برای بررسی تاریخ، فرهنگ و هنر مناطق مختلف است و حاکی از موقعیت اجتماعی، اعتقادات و باورهای مردم هر منطقه است که در اختیار بشر امروزی قرار گرفته است.

به‌رحالبه‌طور یقین کاربرد این نقوش بر روی صخره‌ها ریشه در باورها و اعتقادات این قوم داشته و با بررسی نقوش این سنگ‌نگاره‌ها که جنبه نمادهای اسطوره‌ای دارند می‌توانیم به بررسی افکار عقاید ایشان بپردازیم. به‌رحال اسطوره‌ها آینه‌هایی هستند که تصاویری را از ورای هزاره‌ها منعکس می‌نمایند و آنجا که تاریخ و علم باستان‌شناسی خاموش می‌مانند اسطوره‌ها به سخن درمی‌آیند و فرهنگ آدمیان را از دوردست‌ها به زبان آورده و افکار بلند مردمان ناشناخته ولی اندیشمند را در دسترس ما می‌گذارند.

در این مقاله با توجه به اینکه تاکنون در این خصوص پژوهشی صورت نگرفته، سعی می‌شود تا علاوه بر بررسی نقوش جانوران در اسطوره‌ها و باورها و اعتقادات مردمان آن سرزمین در خصوص معرفی نقوش سنگ‌نگاره‌های جربت در خراسان شمالی و احتمالاً تأثیر و تأثرات آن‌ها نسبت به مناطق دیگر به بررسی و مطالعه بپردازد.

کلیدواژه:

جربت، نقش، سنگ‌نگاره، اسطوره.



مقدمه:

هنر صخره‌ای^۱ در مفهوم امروزی، فقط دربرگیرنده نگاره‌هایی است که نقش‌مایه‌های عمده آن، تصاویر کوچک و گاه مینیاتوری؛ حیوان، اشکال، نمادها، گیاهان و انسان به صورت تک‌نگاره یا در صحنه‌ها و مجالس شکار، نبرد، رقص، مراسم و اجتماعی و آیینی بوده و فن اجرایی این نقوش به شیوه کنده‌نگاره است. (جانجان و بیک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

«رفیعفر» از هنر صخره‌ای به‌عنوان یک هنر جهانی یاد می‌کند که در بین هنریشناخته‌شده دیگر، نه تنها بیشترین قدمت را دارد بلکه جایگاه ویژه‌ای نیز به خود اختصاص داده است. این هنر توانسته اولین جلوه‌های هنری شناخته‌شده از حساسیت هنری و زیباشناختی اجداد دور انسان را در بسیاری از نقاط جهان بایانیمعنی‌دار به معرض نمایش بگذارد (رفیعفر، ۱۳۸۱: ۴۶). نقوش صخره‌ای با وجود شباهت‌های فراوانی که از لحاظ موضوع نقوش اغلب، صحنه شکار، نبرد و تک‌نگاره‌های کوهی را در برمی‌گیرند و از لحاظ اجرا به صورت کنده و به روش کوبشی و خراش است که با زدن ضربه روی سنگ، به‌وسیله یاشیای سخت و محکم با عمق بسیار کم ایجاد شده‌اند. موضوعات سنگ‌نگاره‌ها متأثر از شرایط جغرافیایی، فرهنگی، زیست‌محیطی هر منطقه هستند. امروزه نقوش صخره‌ای با قدمتی که داری طیف گسترده‌ای است، از دوره پارینه‌سنگی تا دوره معاصر را شامل می‌گردد. با توجه به اهمیت روشن شدن محتوا، معنا و قدمت این داده‌های فرهنگی، از جنبه‌های مختلف نظیر؛ باستان‌شناختی، مردم‌شناختی، هنر، نشانه‌شناختی و پژوهش قرار می‌گیرند. اساسی‌ترین مشکل این نگاره‌ها را می‌توان عدم تاریخ‌گذاری مطلق آن دانست و فقط به صورت گاه‌نگاری تطبیقی و مقایسه‌ای می‌توان تاریخ دوره خاصی را برای آن‌ها مشخص کرد.

پیشینه پژوهش:

پیشینه و آغاز پژوهش‌های نقوش صخره‌ای ایران توسط پژوهشگران ایتالیایی صورت گرفته است. در سال ۱۹۵۸ زمانی که گروهی از زمین‌شناسان ایتالیایی جهت کشف و استخراج مواد معدنی در منطقه‌ی سیستان و بلوچستان مشغول کار بودند، تعدادی نقوش صخره‌ای در منطقه گزو کشف کردند (Dessau, ۱۹۶۰). این کشفیات را می‌توان نخستین پژوهش در مورد نقوش صخره‌ای ایران دانست (محمدی‌قصریان، ۱۳۸۶: ۱۸). گزارش مقدماتی مک بورنی پس از بررسی نقوش صخره‌ای دوشه و میرملاس در سال ۱۹۶۹ میلادی، اولین گزارشی مقدماتی درباره نقوش صخره‌ای ایران دانست (بورنی، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۶) از مهم‌ترین و پرکارترین نقوش سنگ‌نگاره‌های ایران، تیمره است که در سال ۱۳۷۷ مجموعه نقوش منطقه تیمره به‌صورت کتابی جامع منتشر گردیده است (فرهادی، ۱۳۷۷: ۶۶-۶۵). در سال ۱۳۸۴ جلال‌الدین رفیعفر در قالب کتابی با عنوان؛ -سنگ‌نگاره‌های ارسباران- به‌صورتی جامع‌تر، به تشریح نقوش صخره‌ای هوراند (لقان) کلیبره پرداخته است (رفیعفر: ۱۳۸۴). از مهم‌ترین پژوهش‌ها صورت گرفته‌ی سال ۱۳۸۶، در باب هنرهای صخره‌ای ایران که به کوشش زهرا زارع و دیگر همکارانش بود، انتشار ویژه‌نامه‌ای تخصصی در مجله باستان‌پژوهی است که دربرگیرنده نتایج جدیدترین مطالعات نقوش صخره‌ای ایران است (باستان‌پژوهی، ۱۳۸۶: شماره ۳).

^۱. Rock Art^۲. PetroglyphSponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



آغاز پژوهش‌ها و مطالعات نگاره‌های سنگی استان خراسان شمالی به سال ۱۳۸۹ هـ ش برمی‌گردد که نقوش صخره‌ای جربتونرگسولویعلیا توسط علی‌اکبر وحدتی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت (وحدتی: ۱۳۸۹). در سال ۱۳۹۲ هـ ش آیگین مردانی و لندانی بررسی سبک‌شناسی سنگ‌نگاره‌های جربت در خراسان شمالی پرداخت است.

پژوهش حاضر به بررسی یکی از جایگاه‌های هنر سنگ‌نگاره در شمال شرق ایران می‌پردازد. این سنگ‌نگاره‌ها در استان خراسان شمالی و نزدیکی شهرستان جاجرم، در ۹ کیلومتری غرب روستای جربت، در یک محوطه ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متری پراکنده شده‌اند. در بررسی‌های انجام‌شده، حدود ۱۰۰ تخته‌سنگ که تقریباً هزار نگاره‌ی کنده نگاره‌ی «قابل‌شناسایی» بر آن‌ها وجود داشت مشاهده شد. سنگ‌نگاره‌های جربت در یک دوره‌ی زمانی متوالی - احتمالاً عصر مفرغ جدید میانی تا دوران اسلامی - به وجود آمده‌اند. فناوری ایجاد این طرح‌ها اغلب با روش کوبشی و گاهی با خراش هست (مردانی و لندانی، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

مقاله حاضر می‌کوشد تا ضمن یک کار میدانی در منطقه و شناسایی نقوش جانوران اساطیری سنگ‌نگاره‌های آن به پرسش زیر به مبسوط پاسخ دهد:

سنت شمایل‌نگاری سنگ‌نگاره‌های جانوران اساطیری خراسان شمالی در جربت بر چه اساسی استوار است؟
متناسب با این سؤال‌عنوان شده می‌توان فرضیه زیر را مطرح نمود:

سنگ‌نگاره‌های جانوران اساطیری جربت ادامه سنت سنگ‌نگاره‌های منطقه که از پیش از تاریخ تا عصر حاضر ادامه داشته است که برگرفته از نوعی فرهنگ شکارگری و چوپانی در ارتباط با طبیعت می‌باشد که ریشه در فرهنگ اساطیری مردم این منطقه دارد.

روش تحقیق

روش پژوهش به دور روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در روش میدانی طی بررسی روشمند این اثر شناسایی گردید، سپس طی مراحل نقش‌مایه‌ها سنگ‌نگاره‌ها برداشت (طراحی) شدند. در این بخش از GPS برای ثبت و ضبط اطلاعات موقعیت جغرافیایی استفاده گردیده و با بهره‌گیری از نرم‌افزار Photoshop در طراحی نگاره‌ها بوده است. در روش کتابخانه‌ای تمامی طرح‌ها (نقوش جانوری) سنگ‌نگاره‌های جربت موردبازنگری، تحلیل و مقایسه با نقش و نماد جانورهای اساطیری قرار گرفتند.

موقعیت جغرافیایی سنگ‌نگاره‌های جربت:

نقوش صخره‌ای جربت که در محل به «سنگ‌نوشته» معروف‌اند در قسمت مرکزی جاجرم، در ۹ کیلومتری غرب جربت در یک دره‌ی باریک پایکوهی به مختصات $37^{\circ} 9' 77''$ طول و $56^{\circ} 62' 99''$ عرض جغرافیایی قرار گرفته و به‌طور متوسط حدود ۱۳۲۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند. مجموعه‌ی سنگ‌نگاره‌ها بر روی صخره‌های منفرد سیاه‌رنگینقش شده که احتمالاً در اثر زمین‌لرزه یا سایر عوامل طبیعی از خط الرس یک برون‌زد صخره‌ای در تپه‌ماهورهای پای کوهی شمال کوه اوزون - که جزو سامانه‌ی البرز شرقی است - فروریخته و بر روی شیب نسبتاً تند دامنه و در امتداد مسیل سیلابی کف دره‌ی مجاور در مسافتی به طول بیش از ۵۰۰ متر پراکنده شده‌اند (وحدتی، ۱۳۸۹: ۳۰).

یافته‌ها:

ازجمله‌ی نظیرترین نقوشی که از سنگ‌نگاره‌های جربت خراسان شمالی یافت شده است، نقوش حیوانات اساطیری نظیر مار، اژدها، غزال و بز، اسب است.



Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

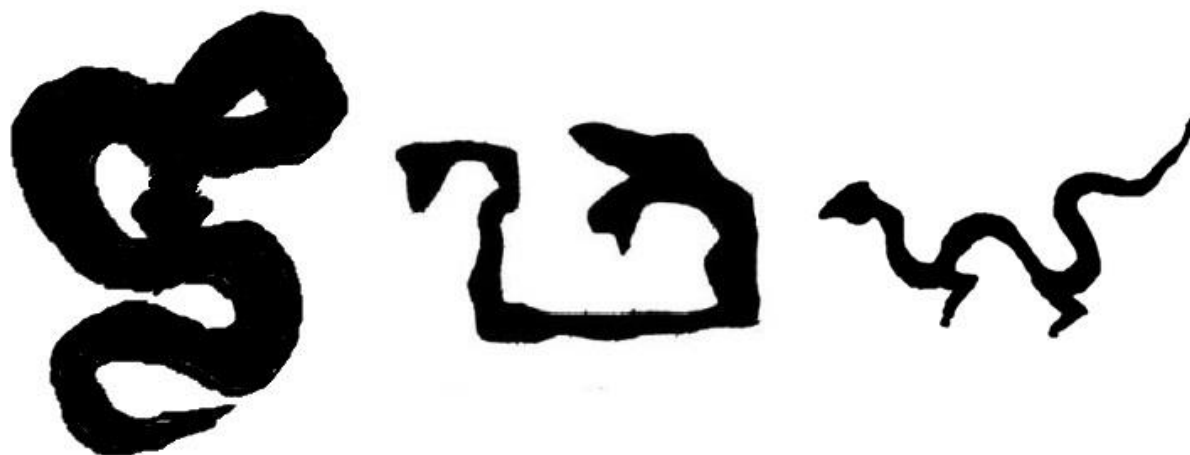


بررسی نقش مار بر روی سنگ‌نگاره‌های جربت

نقش شبیه به مار (اژدها) (تصویر ۱) در میان سنگ‌نگاره‌های جربت دیده می‌شود که گاهی به صورت پیچ‌در پیچ تصویر شده است. این حیوان از دیرباز تا کنون بومی منطقه بوده است. نقش مار نیز مانند سایر نقوش حیوانی موجود در صخره‌نگاره‌ها به صورت طبیعت پردازانه تصویر شده است. بزرگترین اندازه مار در کل مجموعه از نظر بلندی ۲۰ سانتی‌متر و از نظر قطر ۲ سانتی‌متر است.

مار در باورهای مذهبی و اسطوره‌های تقریباً تمامی جوامع حضور دارد و نقش‌های متعددی را ایفا می‌کند. با تجدید جوانی، جاودانگی و خرد پیوند دارد و یا مارهای که در کوه‌ها یا حفره‌های زمین می‌زیزند، با جهان زیرین، دنیای مردگان، باروری و ذهن ناخودآگاه پیوند دارد (وارنر، ر، ۱۳۸۶، ۵۳۳).

مار در نواحی غربی ایران مانند تمدن ایلام معرف آب‌های زیرزمینی بود و بعدها مظهر خدای دوزخ گردید. در آثار مکشوفه از شهادت بر روی بسیاری از جنس سنگ، فلز و لاجورد حتی سفال نقش می‌شود، البته با وجود اینکه از نقش مار در موارد بسیاری استفاده شده است ولی نمی‌توان آن را به عنوان یکی از خدایان مورد ستایش مردم این ناحیه محسوب کرد. شاید به دلیل ترس و هراسی که از گزند این حیوان داشتند آن را بر روی اشیاء مختلف نقش می‌کردند تا از آسیب آن در امان بمانند.



نقش مار (اژدها) بر سنگ‌نگاره‌های جربت خراسان شمالی (مأخذ: نگارندگان)

بررسی نقش اژدها بر روی سنگ‌نگاره‌های جربت

نیروی اهریمنی است که راه‌آب را بسته است. در سرزمین ایران آب برابر با زندگی است. آب در جایگاه ایزدی و اهورایی است چون زندگی می‌بخشد. تخیل مقدس و تخیل نامقدس در دو نماد آب و اژدها با هم درگیر می‌شوند. اژدها برای اینکه به مردم

جیره آب بدهد، هر بار دختری از آن‌ها را طلب می‌کند. مردم برای اینکه زنده بمانند هر بار دختری به اژدها هدیه می‌کنند. در آخر اژدها شاهزاده خانم را طلب می‌کند. شاهزاده خانم از جنبه نمادشناسی تخیل مقدس همان آناهیتا است، جوانی با نبر با اژدها برمی‌خیزد. او از ناحیه تخیل مقدس است. نماد تخیل نامقدس را شکست می‌دهد و با شاهزاده خانم ازدواج می‌کند. ازدواج نماد زایش و زندگی است (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

اژدها در شرق خصوصاً چین یک نیروی سودمند آسمانی است ولی در غرب به خدایان جوان فرودین و مخرب بوده و در ادیان یکتاپرست، زمانی موجودی شرور و زمانی دیگر از نماد قدرت یا حیاء کننده به شمار می‌رفت. در اساطیر کهن گاه خود باران، خدا و زمانی دشمن باران خداست (بهزادی، ۱۳۸۰، ۵۲).

بنابراین اژدها در فرهنگ اساطیری و دینی از معانی کم‌وبیش متضادی برخوردار بوده است. با حمله مغول به ایران پژوهشگران معتقدند که ایران تحت تأثیر هنر چین قرار می‌گیرد، اما دلیل ظهور نقوش اژدها بر روی سنگ‌نگاره‌های جربت خراسان را نباید دانست بلکه تصویر اژدها بر روی این سنگ‌نگاره‌ها رموز آشنا و معانی تمثیلی حاضر در ناخودآگاه جمعی ایرانیان از گذشته‌های دور هست که نمونه روشن آن در سنگ‌نگاره‌های جربت خراسان است. (تصویر ۱).

برسی نقش بز بر روی سنگ‌نگاره‌های جربت:

نقش نگاره‌های بز ترسیم‌شده در سنگ‌نگاره‌های جربت درای شاخ‌های بلند هستند. با مقایسه شکل واقعی بز کوهی و تصاویری که از این حیوان بر روی سنگ‌ها ایجاد شده است، می‌توان نتیجه گرفت که قواعد کلی شیوه طبیعت پردازانه رعایت شده است. البته گاهی در نسبت شاخ به بدن این جانور اغراق شده است. اندازه‌ی بزهای کوهی طراحی شده متفاوت است. گاهی بسیار بزرگ و گاهی بسیار کوچک نقش شده‌اند. بزرگ‌ترین اندازه این حیوان ۴۸×۴۱ سانتی‌متر و کوچک‌ترین آن ۵×۴ سانتی‌متر است. با توجه به قالب بدن و شاخ در ترسیم این حیوان، می‌توان نقش موجود از بز کوهی با بدن مستطیلی، بز کوهی با بدن خطی، بز کوهی با بدن مثلثی و بز کوهی با بدن بیضی‌شکل.



تصویر ۲: نقش بز بر سنگ‌نگاره‌های جربت خراسان شمالی (مأخذ نگارندگان)



بزکوهی تقریباً در تمام استان‌های ایران و مناطق کوهستانی پراکنده است (تصویر ۲) این حیوان شکار طبقات مختلف از جمله شاه و اشراف و مردم کوه‌نشین بوده است (افضل طوسی، ۱۳۹۰: ۵۷).

کل و بز به راحتی از صخره‌ها بالا می‌رود، شاخ آن شمشیری و زیبا است و سن حیوان از برجستگی روی شاخ برآورده می‌شود (تاج‌بخش، جمالی: ۱۳۷۴: ۱۰۷).

نقش بزکوهی برای نخستین بار روی مهرهای استوانه‌ای شکل بین‌النهرین متعلق به هزاره چهارم و سوم ق.م دیده می‌شود (هال، ۱۳۸۰: ۱۰۱) و نقش آن در تمام آثار متنوع فلزی و سفالینا دوره ساسانی ساخته و پرداخته می‌شده است.

بزکوهی با شاخ‌های بلند به عقب برگشته و گردن باریک نود درجه نقش ثبت شده در سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران است و به معنی درخواست آب، زاینده‌گی و فراوانی نعمت است و به نظر می‌رسد، در کنار نقش نگاره‌های کشف شده از بزکوهی نقش نگاره‌ای به شکل لوزی (تصویر ۳) دیده می‌شود که از مجموع خطوط مختلط ایلام کهن بوده و از سوی پرفسور باستان‌شناسی به هینتس، معنی تقدیس شناسایی شده است (افضل طوسی، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۸).

نقش بزکوهی مانند یک فرشته اسطوره‌ای و مقدس نگهبان ماه و درخواست کننده آب و زاینده‌گی و فراوانی است (افضل طوسی، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۸)

نقاشی برای انسان باستان، اولین خط نوشتاری او محسوب می‌شود و امید به باروری و برکت بیش تر است و قاطعانه می‌توان گفت نقش بزکوهیبه عنوان نمادی از ماه و باران بیش از حیوانات دیگر مانند گوسفند، اسب، گوزن و شیر برای مردمان گذشته ایران اهمیت داشته و فراوانی آن نشانه اهمیت در زندگی و اعتقادات آن‌ها است.

با توجه به این که بز نسبت به گرما و مناطق صعب‌العبور، کوهستانی و پوشش گیاهی کم مقاومت بوده و شکار بومی ایران است، اهمیت حیاتی این حیوان در معاش و گذران زندگی کوچ‌نشینان آشکارا است. از سوی برای انسان عصر باستان، شاخ این حیوان یادآور ماه است.

اهمیت ماه با توجه به رابطه آن با رستنی‌ها، آب و بارش باران در طبیعت حیاتی است. «شاخ مظهر نیروی فوق طبیعی، الوهیت، سلطنت، قدرت، پیروزی، فراوانی گله و محصول، زادوولد و بارداری است. همچنین مظهر نیروی جان با اصل حیاتی که از سر برمی‌خیزد؛ از این رو شاخ‌های روی کلاه خود یا سرپوش نیرویی مضاف می‌بخشد. ایزدان شاخ‌دار نیز، هم مظهر جنگ‌جویی، هم مظهر باروری و هم ارباب حیوانات به شمار می‌آیند». (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۱۸).

می‌توان گفت نقش بزکوهی بیش از سایر حیوانات، در سنگ‌نگاره‌ها، مفرغ‌ها و سفالینه‌ها هزاره‌های پیش از میلاد به کاررفته است. «این حیوانکه در باورهای قومی و اساطیری، اصل مذکر و سمبل [نشانه] قدرت تولید به شمار می‌رود، یکی از حیوانات حاکم بر آسمان‌ها، دهمین علامت از منطقه البروج و همچنین یکی از صورت‌های فلکی در آسمان شمالی است که «بز شاخ‌دار» نیز نامیده می‌شود. بزکوهی نیز رب‌النوع ماه است». (جابر، ۱۳۷۰: ۲۵-۲۳).

ایرانیان برای بزکوهی و جانوران شاخ‌دار دیگر نیز نیروی جاودانه‌ی قائل بودند و به احتمال قوی میان شاخ‌های خمیده و هلال ماه ارتباطی متصور بودند. ماه از زمان‌های بسیار قدیم با باران و خورشید با گرما و خشک‌سالی مرتبط دانسته می‌شد.

بنابراین شاخ در نزول باران مؤثر شمرده شده و این وابسته آب به‌طوری بر روی سنگ‌نگاره‌ها جلودار شد همواره قرص ماه در میان هلال شاخ‌ها همچون مخزن آب به تصویر کشیده می‌شد؛ و چهار گوشه نشانه زمین است، زیرا دارای چهار جهت اصلی است و

آسمان نیز به شکل پرنده‌هایی که بال خود را گشوده است، جلوه می‌کند (پوپ، ۱۳۸۰) با توجه به این معنی رمزی و جادویی می‌توان دریافت که چرا نقوش جانوران شاخ‌دار با صراحت و قوت در نمونه‌های هنری سنگ‌نگاره‌های جربت جلوه‌گر شده است.



تصویر ۳: نقش نگاره‌ای به شکل لوزی و نقش آب محاط شده با نقش دایره در میان شاخ‌های هلالی بز کوهی یافت شده از جربت خراسان شمالی (مأخذ نگارندگان)

بزکوهی در اسطوره‌های ایران

اسطوره، واکنش توانایی انسانی نسبت به عدم آگاهی از علل واقعی حوادث و تلاش در جهت تفسیر آن است. ماهیت اسطوره‌ها با نماد توصیف می‌شود چراکه نمادها مناسبات و ارتباط بین دال و مدلول، انسان و ایزد را تعریف می‌نماید (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۳۹). گیریشمن معتقد است ایرانی‌ها و یونانی‌ها در دوره‌هایی در هنر خود موضوع‌های اساطیری را نقل می‌کنند. این آثار در ایران ابتدا روی سنگ‌نگاره‌ها، سفالینه‌ها و بلافاصله در هنر فلزکار دیده شده و حداقل به مدت دو قرن در لرستان نقش روی فلزات بود (گیرشمن، ۱۳۷۴: ۷۴).

دریکی از اسطوره‌ها که به داستان آفرینش انسان مربوط است، داستان رویدن گیاهی با دو برگ (احتمالاً ریواس) به شکل انسان درآمده که به مشیه و مشیانه معروف است و در حوادثی که برایشان پیش آمد از شیر بز سپیدی نوشیدند. به عبارتی بز در حیات بشر اولیه نقش مهمی دارد (کارنوری، ۱۳۸۳: ۵۱).

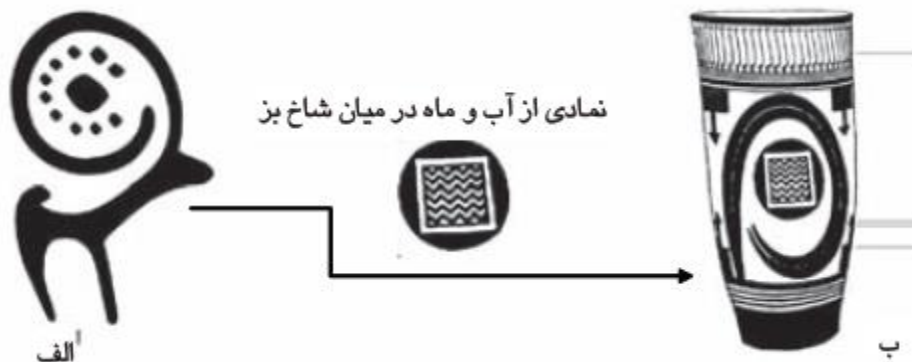
در اسطوره‌های ایران باستان، از بین ایزدان که در هیئت [بهبشکل] چهارپایان درآمده‌اند می‌توان ورثرغنه (بهرام) ایزد جنگاوری و پیروزی اشاره نمود که وجودی انتزاعی است و یکی از تجسم‌هایش بز نر جنگی بوده است (هینلز، ۱۳۷۴: ۷۱).

میان ماه، آب و رستنی‌ها در ایران اساطیر باستان جهان به‌ویژه اساطیر هند و ایرانی که نیای مردمان فلات ایران هستند، پیوندی غیرقابل‌انکار وجود دارد. ارتباط ماه با جزر و مد، توفان و باران ارتباط آن با رستنی‌ها را تقویت می‌کند. در یشت‌ها (VII، ۴) آمده است: گیاهان در گرمای ماه رشد می‌کنند. ارتباط ماه با گیاهان و رستنی‌ها چنان است که شماری از خدایان باروری هم‌زمان خدایان قمری نیز هستند مانند هاتور در مصر و آناهیتا در ایران. در فرهنگ‌های دیگر دنیای باستان موجوداتی همچون سگ یا حلزون، مار و مارماهی و قورباغه در رابطه با ماه و باران است (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۶۷-۱۶۴)

در فرهنگ ایران باستان علاوه بر آن که بزکوهی نمادی از ایزد بهرام است، شاخ او نیز یادآور و نشانه ماه است، شاخ او نیز یادآور و نشانه ماه است، از این رو در میان شاخ‌های نمادی از آب (باران) و یا زمین که اشاره به رستنی‌ها است دیده می‌شود (تصویر ۳- ۴ - ۵)



تصویر ۴- مقایسه نمونه‌هایی از نقش بزکوهی همراه با نمادی از زمین (الف) ب- بزکوهی با نمادی از آب بین شاخ‌های الف، آبخوری‌های به دست آمده در منطقه شوش در منطقه شوش متعلق به ۳۶۰۰-۴۰۰۰ سال قبل از میلاد (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۸۱) ج- نقش پرند بر لبه آبخوری در کنار نقش بز (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۷).



تصویر ۵ الف- نقش مایه بزکوهی خلاصه شده همراه با نماد آب، یافته شده در تپه حصار، ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد، ب- بز با ماه در میان شاخ‌هایش، شوش (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۸).

در تمدن لرستان هزاره‌های اول قبل از میلاد نیز پیکره‌های بزکوهی زیاد دیده شده است. در آثار به جای مانده قطعات نظری که منظور دقیق آن‌ها مشخص نیست، تصاویر بزکوهی و ابزارآلات مربوط به اسب (زیر سری‌ها) و پیکره‌های ساده به شکل سنجاق بوده که ممکن است مربوط به نشان‌های خانوادگی و یا برای قربانی و چشم نظر ساخته شده و یا اشیایی که معرف جدال دو قهرمان با دو جانور جنگلی است دیده می‌شود. در مفرغ‌های لرستان بزکوهی در کنار آن‌ها پیدا شده و یادآور ایزد باروری و آب و آبادانی، شجاعت و برتری است.

حضور و نقش بز در سنگ‌نگاره‌های جربت به دلیل اهمیت و ارزش معنوی آن در اعتقادات گذشتگان و تقلید از کار آن‌هاست؛ که ریشه در فرهنگ و اساطیر دارند. برخی نقوش جربت، بازمانده هنر مردمان گذشته (عصر سنگ) است که در طول سالیان سال بر روی سنگ‌ها نقش بسته و تا دوره‌های اسلامی تداوم داشته‌و گاه تغییراتی در دوره‌های تاریخی و اسلامی نیز داشته‌اند. می‌توان گفت سنگ‌نگاره‌ها هنر بکری است که فرهنگ، هنر و اعتقادات گذشتگان را با انتقال سینه‌به‌سینه‌هاز نسلی به نسل دیگر در درون خود محفوظ نگاه داشته است.

با توجه به آخرین تحقیقات بر سنگ‌نگاره‌های جربت و احتساب برخی علامت‌ها به خط تصویری پیش‌ازتاریخ ایلامی که در ابتدا این نوشتار به آن اشاره شد، به نظر می‌رسد این لوزی بر روی شاخ بز کوهی ممکن است بازمانده نشانه مقدس طلب باران که در سنگ‌نگاره‌های پیش‌ازتاریخی جربت در کنار نقش بز کوهی و نماد ماه یا در میان شاخ آن باشد. نماد مقدس (hu) به شکل لوزی همان‌طور که اشاره شد از خطوط پرتو ایلامی مربوط به پیش از تاریخ شناسایی شده است. با توجه به دقت طرح این لوزی بر سر بز کوهی احتمال می‌رود گونه‌ای رمزگذاری مشابه سنگ‌نگاره‌ها برای نماد باران باشد (تصویر ۶). همچنین نماد ماه یا خورشید (سواستیکا) یا نمادی از آب و زمین که در سنگ‌نگاره‌های جربت دیده می‌شود همراه با نماد آب است (تصویر ۳).



تصویر ۶: نقش نگاره‌ای به شکل لوزی در میان شاخ‌های هلالی بز کوهی یافت شده از جربت خراسان شمالی (مأخذ نگارندگان)

برسی نقش اسب بر روی سنگ‌نگاره‌های جربت:

یکی دیگر از حیواناتی که در سنگ‌نگاره‌های جربت خراسان شمالی به چشم می‌خورد، نقش اسب است. این حیوان در هفت نگاره به صورت تک نقش (تصویر ۷) و به تنهایی در نگاره دیگر مرتبط با انسان و به عنوان مرکب او است. تشخیص نگاره‌ای اسب در بین سایر نقوش به راحتی امکان‌پذیر است. پاهای کشیده و دم بلند، ویژگی‌های شاخص اکثر تصاویر کشیده شده از اسب است. تمام اسب‌های که در سنگ‌نگاره‌های جربت وجود دارند، از نیم‌رخ ترسیم شده‌اند و در بیشتر آن‌ها آناتومی اسب با زیبایی و مهارت بسیاری نشان داده شده است. بزرگ‌ترین اسب مجموعه ۳۳×۳۷ سانتی‌متر و کوچک‌ترین ۱۳×۱۶ سانتی‌متر است.



تصویر ۷: سنگ‌نگاره نقش اسب یافت شده از جربت خراسان شمالی (مأخذ نگارندگان)

اسب در اسطوره‌های ایران

یکی از مهمترین حیوانات نمادین در اساطیر بشری که در فرهنگ‌های مختلف، از جمله در اساطیر ایرانی به آن اشاره شده نقش اسب است.

در افسانه‌های هند و اروپایی از اسب به‌عنوان نشان ویژه ایزدان افتاب، ماه و باد سخن رفته و اشاره شده است که در برابر برخی ایزدان، فقط اسب را قربانی می‌کرده‌اند. در اوستا نیز از قربانی کردن این حیوان در برابر ایزدان، از جمله قربانی‌های کیخسرو در برابر ایزدان برای پیروزی برافراسیاب سخن رفته است (آبان یشت، بند ۴۹-۵۰ و در واسپ‌یشت، بند ۲۱-۲۳). در افسانه‌های فولکور و قصه‌های عامیانه این اقوام، از تغییر شکل آدمی به اسب و موجودات نیمه اسب-نیمه‌انسان بسیار سخن به‌میان آمده است. برخی حدس زده‌اند شاید هند و اروپاییان از نخستین اقوامی بوده‌اند که به اهلی کردن این حیوان دست زده‌اند؛ حیوانی که یونانیان آفرینش آن را به نپتون^۳ (ایزد دریاها و اقیانوس‌ها) نسبت داده‌اند. براساس اعتقاد جهانگیر، بین اسب و دریا مناسبتی ویژه بوده و همین پندار در افسانه‌های ایرانی، بین اسب سپسید و اسب سیاه [روز و شب]، در کرانه اقیانوس آسمانی، برای دست-یابی به آب‌های بارور بازتاب یافته است. در تیر یشت نیز می‌بینیم که تیشتر به‌صورت اسب سفید و زیبایی به دریایی فراخکرت فرود می‌آید و دریا را به جوشش در می‌آورد (تیر یشت، بند ۳۰). پیوند اسب با آب- که مظهر حیات و نماد زندگی است- نقش مهمی در خویشکاری اساطیری این جانور نمادین دارد. اسب به دلیل سرعت تاختن و شکوه و توانمندی و شیهه کشیدن و خروشیدن و حتی به دلیل نوع انحنای پیکرش در ناحیه سر و سینه و گردن، به امواج خروشان، سریع و کوبنده دریا تشبیه می-کرده‌اند و پیش نمونه اساطیری این حیوان را، برآمده از اقیانوس بی‌کرانه می‌دانستند. بدین ترتیب، اولین معنای اساطیری نماد

^۳. Nepton



اسب، نقشی است که در نمادینگی حیات نادى و گیتیانہ (با مظهر آب)، در مقابل حیات روحانی و آسمانی دارد و سوئیۀ زیبا و شکوهمند و قدرت شگفت و سحرآمیز زندگی زمینی را که مرکبی برای روح الوهی انسان (سوار/قهرمان) است، به نمایش می-گذارد. (یاحقى، ۱۳۸۶: ۶۹۲).

اسب از بارزترین نمادهای تخصیص دهنده زندگی غریزی ناخودآگاه انسان است. اسب نمادی از بخشش تشکیل دهنده غریزه جانوری روان انسان است. اسب موجودی تنومند، نجیب و وفادار که نشستن قهرمان بر آن، تسلط وجود پالایش یافته روان او را بر نیروهای مهار نشدنی طبیعت و غرایز سرکش او نمادینه می کند؛ غرایزی که قهرمان با چیره شدن بر آنهاست که به این نیروی روانی شگرف دست یافته است. به همین دلیل، مجموعه معانی نمادین اسب در فرهنگهای بشری، از سوئی قدرت و سرکشی طبیعت و غرایز را و از سوی دیگر، مقاومت و آزادگی روح متعالی انسان را در برابر بازدارندههای بیرونی و درونی نمایندگی می-کند. در غالب فرهنگهای بشری: «پارهای از معانی سمبولیک اسب بوده اند از: آزادی، پایداری، پیروزی، سرعت، سرسختی، غرور و ... همچنین، ایرانیان برای گسترش خورشید در آسمان اسب را در پیشگاه خدای خورشید قربانی می کردند» (جابر، ۱۳۷۰: ۱۵-۱۶۹). پیوند اسب با آب و دریا، نشانه ای از قدرتخروش زندگی گیتیانہ است و همراهی او با انسان، در قالب مرکب و سوار، تجسم نیروی سرکش ناخودآگاه و غریزه مهار شده اوست که فرد را در مسیر کمال یاری می کند (قائمی و یاحقى، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۵).

نتیجه:

برسی مفهوم کلی و تفکری که در پس سنگ نگاره هاجربت خراسان شمالی که در دوره ی زمانی متوالی - احتمالاً عصر مفرغ جدید میانی تا دوران اسلامینهنفته است. توانسته اند اعتقادات و باورهای زیبای ایرانی را از گذشته های دور به وسیله این صورتها و نمادها زنده نگه دارند. هر نقش فقط شکل نیست بلکه معنای عمیقی دارد و به صورتها و باورهای مقدس گذشته و اعتقادات دینی برمی گردد، هنر پیش از تاریخی، بازندگی شکارچیان و شبانهایی که آنها را خلق کردند، در ارتباط تنگاتنگ بود. همچنین نقوش و نگاره می تواند نمایانگر تخیل مقدس باشد که در ناخودآگاه جمعی ایرانیان وجود دارد. هنرمند ایرانی با کنار هم گذاشتن این تخیل مقدس در کنار مبانی زیبایی و اعتقادی و به خدمت گرفتن آن یک معنای نادیدنی و باطنی دست یافت که روح طبیعت در همه ی آنها سیطره داشت و برگرفته از اعتقادات و آیینهایی بود که زندگی در دامان طبیعت آنها را به وجود آورده بود. در یک نگاه کلی می توان دریافت که زندگی کسانی که سنگ نگاره های جربت را به وجود آوردند در ارتباط مستقیم با طبیعت بوده است. زیرا بیشترین حجم نقوش جانوری را در برمی گیرد و این امر نشان از اهمیت حیوانات در زندگی مردم ساکن این ناحیه از دیرباز تاکنون دارد. تعداد بسیار زیاد نقش این حیوانات (بز کوهی، مار و اسب) اهمیت بی چون و چرای این حیوان و جایگاه مهم آن در باورها و اساطیر اقوام گذشته را بیش از پیش نمایان می سازد. از طرفی با توجه به شباهت های نگاره شناسی بین این مجموعه و بین نقش صخره ای منطقه سیبری و آسیای مرکزی، شاید بتوان گفت که بین نقوش جربت و اعتقادات شمنی رابطه ای وجود دارد. با توجه به این تفاسیر می توان گفت نگاره ها روح سیطره دارد و نقوش برگرفته از نوعی زندگی چوپانی و در مواردی زندگی وابسته به شکار است و در مواردی شاید بتوان برخی از نقوش را در ارتباط با تفکرات شمنی دانست.

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



نقش جانوران از علایق هنر ایرانی است که با توجه به اعتقادات، اسطوره‌ها و آیین‌ها در سنگ‌نگاره‌های جربت دیده می‌شود. در میان نقوش جانوران، بزکوهی از فراوانی بسیاری در دوران تاریخی از پیش از تاریخ تاکنون برخوردار است. هنر نگارگری بر روی سنگ می‌تواند از منابع بکر و نمادهای اسطوره‌ای و باستانی تلقی شود؛ که سنت‌ها، عقاید و علایق گذشتگان را از دوران باستان بر ما آشکار می‌سازد.

به نظر می‌رسد ساخت سنگ‌نگاره‌های مذکور علاوه بر جنبه مذهبی بوده است؛ زیرا نقش بزکوهی و مار و اژدها بر روی مهرهای استوانه‌ای شهداد، عیلام، بین‌النهرین حامی حیوانات که یا در حال حرکت بوده و یا آرامیده‌اند نقش شده‌اند. همچنین نقش مار را نیز بر روی سرسنجاق شهداد می‌توان مشاهده کرد. لذا به نظر می‌رسد که جانوران مذکور مورد پرستش این اقوام بوده‌اند. یکی دیگر از دلایل آن ادعا می‌توان همسایگی ایشان با تمدن ایلام را ذکر کرد چراکه بنا برقراین موجود در هزاره سوم ق.م و حتی پیش از آن ساکنان جنوب شرقی ایران با همسایگان غربی خود مراودات تجاری و بازرگانی داشته‌اند پس بی‌شک ایشان علاوه بر تبادلات بازرگانی، تبادلات فرهنگی نیز می‌نمودند که بر روی آثار مکشوفه از این تمدن‌های باستان به‌خوبی نمایان است.

منابع:

- افضل طوسی، عفت السادات، (۱۳۹۱)، «**گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان**»، فصلنامه علمی- پژوهشی **نگره**، شماره ۲۱ بهار ۹۱، صفحات ۵۵-۶۷
- الیاده، میرچا، (۱۳۷۲)، **رساله در تاریخ ادیان**، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.
- اوستا، (۱۳۸۴)، **گزارش و پژوهش: جلیل دوستخواه**، تهران، انتشارات مروارید، ۲ جلد، چاپ نهم.
- بهزادی، رقیه، (۱۳۸۰)، **نماد در اساطیر**، کتاب ماه و هنر، شماره ۳۵ و ۳۶.
- بورنی، مک، (۱۳۸۴)، **گزارش مقدماتی بررسی و حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت**، ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان، تهران: باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۳: ص ۱۶-۱۴.
- پوپ، آرتور اپهام، (۱۳۸۰)، **شاهکارهای هنر ایران**، دکتر پرویز ناتل خانلری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- تاجبخش، هدایت؛ جمالی، سیروس، (۱۳۷۴)، **نخجیران از آغاز تا امروز**، تهران، موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران.
- جابز، گرترو، (۱۳۷۰)، **سمبل‌ها (کتاب اول: جانوران)**، محمدرضا بقاپور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جابز، فرانکین، (۱۳۷۳)، **شناخت اساطیر ژاپن**، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- جانجان و بیک‌محمدی، (۱۳۹۱)، **معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه‌ی B/ارگس سفلی (ملایر- همدان)**، تهران، نامه‌ی باستان‌شناسی، شماره ۲، دوره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صفحات ۱۲۱-۱۴۰.
- رفیعفر، جلال‌الدین، (۱۳۸۱)، **سنگ‌نگاره‌های ارسبان (سرنگون)**، تهران: مجله انسان‌شناسی، دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۷۶-۴۵.



- رفیعفر، جلال‌الدین، (۱۳۸۴)، *سنگ‌نگاره‌های ارسبان*: تهران سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- فرهادی، مرتضی، (۱۳۷۷)، *موزه‌های در باد، رساله‌ای در باب مردم‌شناسی هنر (گزارش مجموعه سنگ‌نگاره‌ها و نمادهای نویافته صخره‌ای تیمره)*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- قائمی، فرزاد؛ محمدجعفر، یاحقی، (۱۳۸۸)، *اسب؛ پرتکرارترین نمادینة جانوری در شاهنامه و نقش آن در تکامل کهن‌الگوی قهرمان*، تهران: فصلنامه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۲، زمستان، صص ۹-۲۶.
- کارنوری، آلبرت جوزف، (۱۳۸۳)، *اساطیر ایرانی*، احمد طباطبایی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- کوپر، جی.سی، ۱۳۷۹، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: انتشارات فرشاد.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، (۱۳۷۹)، *سفال و سفالگری در ایران*، تهران: انتشارات ققنوس.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۱)، *هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی*، عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- محمدی، محمد، (۱۳۸۱)، *تخیل مقدس و نامقدس در اسطوره‌ها و افسانه‌های ایرانی*، کتاب ماه و هنر، شماره ۴۷ و ۴۸.
- مردانی، ولدانی، آیگین، (۱۳۹۲)، *بررسی سبک‌شناسی سنگ‌نگاره‌های جربت در خراسان شمالی*، همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها دانشکده هنر بیرجند، اردیبهشت ۱۳۹۲.
- محمدی‌قیصریان، سیروان، (۱۳۸۶)، *مطالعات نقوش صخره‌ای در ایران: مشکلات و راهکارها*، تهران: باستان‌پژوهی، دوره جدید سال دوم، شماره ۳، صص ۱۵-۱۸.
- وحدتی، علی‌اکبر، (۱۳۸۹)، *بوم‌های سنگی: گزارش بررسی دو مجموعه هنر صخره‌ای در استان خراسان شمالی (جربت و نرگسلوی علیا)*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان شمالی، بجنورد.
- وارنر، ر. (۱۳۸۶)، *دانشنامه اساطیر جهان*، برگردان ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: انتشارات اسطوره.
- *ویژه‌نامه هنر صخره‌ای*، ۱۳۸۶، مجله باستان‌پژوهی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳.
- هال، جیمز، (۱۳۸۰)، *فرهنگ‌نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- هینلز، جان، (۱۳۷۴)، *شناخت اساطیر ایران*، ژاله آموزگار و احمد تفضلی، نشر چشمه، تهران.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی*، چاپ دوم، تهران: سورش.
- Dessau, G., (۱۹۶۰), *Rock Engravings (Graffiti) from Iranian Bäluchistan*, East and West, Vol. ۱۱, No. ۱: ۲۵۸-۲۶۶

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران